

پاسخ جمعی از کارگران هفت تپه
به واکنش رئیس قوه قضائیه در مورد شکنجه بخشی

صحبت از هتل نیست صحبت از شکنجه تا سر حد مرگ است

رئیس قوه قضائیه در مورد شکنجه اسماعیل بخشی: محیط زندان که هتل نیست!

رئیس قوه قضائیه-لاریجانی در واکنش به اخبار منتشره در مورد شکنجه اسماعیل بخشی اعلام کرد که برخی تصور میکنند محیط زندان، هتل است! او همچنین افزود اشتباه احتمالی یک بازجو را نباید به حساب کل مجموعه گذاشت! وی گفته یک تیم قضائی به منطقه میفرستد تا موضوع شکنجه اسماعیل بخشی بررسی شود.

جواب ما: لطفا لودگی نکند! صحبت از هتل نیست. صحبت از شکنجه تا سر حد مرگ است. ضربات زیاد بر سر و گردن و پهلو و بیضه تا جایی که اسماعیل در خون خود بر زمین میافتاده. صحبت از شکستن دنده ی اسماعیل بخشی است. صحبت از داروهای روانگردان است تا جایی که اسماعیل سر خود را به دیوار سلول میکوبیده. صحبت از تخلف "یک" بازجو نیست. در این مورد به جز دو تن از روسای اطلاعاتی میتوان دست کم هشت نفر دیگر را ذکر کرد که در این وقایع دست داشته اند. و اینها هم تنها نیستند؛ کل سیستم امنیتی و قضائی دست اندرکار است.

جمعی از کارگران هفت تپه
پاسخ به واکنش رئیس قوه قضائیه در مورد شکنجه بخشی
انتشار توسط: کانال مستقل کارگران هفت تپه

.....

فوری!

**به حمایت از بخشی و خانواده اش بشتابیم
آنها تحت فشار شدید برای تکذیب شکنجه قرار گرفته اند!**

پس از انتشار نامه اسماعیل بخشی و شرح گوشه هایی از شکنجه های اعمال شده بر او و نیز اشاراتی بر ضرب و شتم خانم قلیان، از روزهای قبل، اسماعیل بخشی و اعضای خانواده اش تحت فشارهای مداوم و شدید نیروهای امنیتی قرار گرفته اند که نامه اسماعیل را تکذیب کنند. اسماعیل بخشی در مقابل این درخواست مقاومت کرده که سپس مامورین امنیتی با تماس با خانواده و تهدیدهایی علیه اسماعیل و سایر افراد خانواده، از آنها خواسته اند آنها دست به تکذیب گفته های اسماعیل بزنند.

تا این لحظه یعنی غروب یکشنبه کماکان اسماعیل بخشی و خانواده اش در برابر این خواسته ی نیروهای امنیتی مقاومت کرده اند.

ما از تمامی کارگران و رسانه ها میخواهیم که به هر نحوی صدای اعتراض اسماعیل بخشی که صدای تمامی کارگران و زجردیدگان و به خصوص صدای کارگران هفت تپه است را در همه جا بازتاب

دهند.

ما همچنین به طور اضطراری از نهادها و تشکلات کارگری در ایران و جهان، رسانه‌ها، نهاد‌های حقوق بشری، نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی در سراسر جهان می‌خواهیم که علیه فشارهایی که بر اسماعیل بخشی و خانواده اش اعمال میشود اعتراض و اقدام کنند.

اسماعیل بخشی و خانواده اش را تنها نگذاریم، آنها در شرایط سختی به سر می‌برند

کانال مستقل کارگران هفت تپه

یکشنبه ۱۶ دیماه ۹۷

.....
پیرامون نامه‌ی اسماعیل بخشی

این مطلب را یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران، روح‌اله مهدی‌پور عمرانی، برای انتشار در این صفحه بر ایمان فرستاده است.

(توضیح: در این صفحه آنچه تحت عنوان "یادداشت رسیده" منتشر می‌شود نظر نویسنده‌ی آن است و الزاما با نظر کانون نویسندگان ایران یکسان نیست).

نامه‌ی سرگشاده و اعتراضی اسماعیل بخشی

روح‌اله مهدی‌پور عمرانی

در این نامه، چند نکته اساسی وجود دارد:

نکته‌ی اول:

حق آزادی بیان، حقی همگانی است. همه‌ی انسان‌ها می‌توانند و باید این حق را داشته باشند که خواسته‌های خود را آزادانه بر زبان بیاورند و آن را از راه رسانه‌ها به گوش جامعه برسانند و هیچ کس - چه حقیقی و چه حقوقی- نمی‌تواند و نباید این حق را سلب کند. این حق طبیعی را حتی نویسندگان متن قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر خواسته‌های مردمی که در سال ۱۳۵۷ علیه خفقان و سرکوب رژیم پهلوی قیام کرده بودند، بناگزیر در قانون آورده اند، اما چنانکه همه می‌دانیم به آن پایبند نبوده و نیستند.

نکته‌ی دوم:

نامه‌ی اسماعیل بخشی با موضوعیت وجود شکنجه‌های جسمی و روانی، از منظر شکل و شیوه‌ی بیان، لحنی اداری ندارد. لحنی مطالبه‌گرانه دارد. اداری نیست چون که در پاکتی در بسته برای وزیر اطلاعات ارسال نشده است. سرگشاده است، به این معنا که تو گویی به تمام رسانه‌های داخلی و خارجی و در حقیقت به افکار و وجدان عمومی رونوشت داده شده است. با این رویکرد که فقط

اسماعیل بخشی، خواهان پاسخ نیست، بلکه پاسخگو یا پاسخگویان باید نه تنها به او، بلکه به افکار عمومی پاسخ بدهند.

نکته ی سوم:

درست است که اسماعیل بخشی در این نامه به طور اخص به آسیب هایی که از شکنجه دیده است، اشاره می کند و این حق هر شهروند است که نسبت به هرگونه آزار و اذیتی که از هر شخص حقیقی یا حقوقی می بیند صدایش بلند شود و اعتراض کند و داد بخواند، اما از جنبه ی عمومی و اجتماعی که نگاه کنیم، نامه ی بخشی، اعتراض همه ی کسانی است که تاکنون به غل و زنجیر شده اند، شلاق خورده اند، با غل و زنجیر - گاهی- به بیمارستان اعزام شده اند و به تخت بست شده اند و یا دست و پا بسته به دادگاه ها برده شده اند و . . .

از این نظر، این نامه در حقیقت زبانهال و کیفرخواست کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و نویسندگان و شاعرانی است که هم اکنون در زندانند و یا اینکه سایه ی سیاه شمشیر فشار و تعقیب پلیسی و قضایی را بالای سرشان می بینند.

نکته ی چهارم:

اعتراض به سانسور و شکنجه و تعقیب حتما از نویسندگان و شاعران و روشنفکران شنیده نمی شود؛ کارگران هم می توانند و باید آزادانه و با صدای بلند به شکنجه و بی حقوقی و سرکوب اعتراض کنند و از دستگاه های قضایی و امنیتی بخواهند که پاسخگوی اعمال ضد انسانی خود باشند.

نکته ی پنجم:

آزادی بیان و بقیه ی حقوق مردم - تا همین اندازه که در قوانین تصریح شده است- و همچنین ممنوعیت شکنجه و . . . فقط آن نیست که در قانون آمده باشد، بلکه دولت و دستگاه های قضایی و امنیتی موظفند به آن پایبند باشند و هرگونه و تا هر درجه ای تخلف از آن باید سرپیچی از قانون دانسته شود و متخلفان باید به افکار عمومی پاسخگو باشند و مجازات شوند.

روح اله مهدی پور عمرانی

.....

تابوشکنی های اسماعیل بخشی را به بحث های جمعی تبدیل کنیم

میناخانی

اول: چند نفر از مثلاً شخصیت های روزنامه نگاری یا سیاسی یا کارگری در چند هفته ی گذشته در توئیتر مبحث شکنجه ی اسماعیل بخشی را زیر سوال بردند. آن ها چند عکس را که در آن گویا چند نفر به دیدار اسماعیل بخشی رفته بودند، بهانه کرده بودند تا بگویند اسماعیل بخشی در سلامت است. آن ها همچنین بازگشت اسماعیل بخشی سر کار را بهانه ی این کرده بودند که توضیح بدهند که او هرگز برای کار کردن تحت فشار نبوده است.

برای کسانی که سال هاست با مساله ی زندانی و زندانی سیاسی و بحث کارگران و زنان و اقلیت ها در

ارتباطتند اصلن این تشکیک در شکنجه در زندان‌های ایران مسأله‌است. شاهرخ زمانی، زهرا کاظمی، کاووس سیدامامی، نوارهایی که در مورد همسر سعید امامی بیرون آمد، آتنا دائمی، سیل کسانی که به زندان‌ها می‌روند و با بیماری‌های عجیب و غریب رو به رو می‌شوند، اینها نمونه‌های متاخر تر بحث شکنجه در زندان‌های ایران هستند تا سر حد کشتار. یعنی حتی ما نیازی نداریم به دهه‌ی شصت و آن جنایت‌های مخوف ارجاع بدهیم برای اثبات اینکه شکنجه یک متد برای اعتراف‌گیری و آزار و اذیت زندانیان است. برای خسته‌کردنشان از مبارزه. برای ایجاد ترس و وحشت.

دوم: این حقیقت حقیقتی است که انکار آن خود به واقع بازتولید نوعی خشونت حکومتی است. حکومت زندان و شکنجه می‌کند، عده‌ای بعد از بیرون آمدن اخباری که قاعدتاً با توجه به فضای سرکوب نمی‌توانیم همیشه انتظار داشته باشیم «دقت» لازم در تهیه‌ی آن انجام شده باشند، بحث مبالغه را پیش می‌کشند. افکار عمومی جهت داده می‌شود. افکار عمومی به جای توجه بر مسأله‌ی زندانیان و اینکه در زندان‌های جمهوری اسلامی نه تنها دیروز بلکه همین امروز چه می‌گذرد، متمرکز می‌شوند روی این سوال که آیا فرد زندانی شکنجه شده‌است یا خیر، آیا منبع خبر درست‌است یا خیر.

در ساختاری که هیچ شفافیتی در مورد هیچ چیز در آن وجود ندارد، این نگرانی برای مبالغه نکردن در مورد شکنجه‌های ساختار نمی‌تواند یک اتفاق باشد. ساختار همه چیز را جوری کنار هم گذاشته‌است که حقیقت را دستکاری کند، که فضای رعب و وحشت ایجاد کند. اسماعیل بخشی با استناد بر سندیت حرف‌های خودش، با استناد به مقبولیت اجتماعی خودش در میان افکار عمومی و کارگران، بدون هیچ پشتوانه‌ی سیاسی و حزبی و رسانه‌ای حجت را بر تمام تشکیک‌کنندگان بر این مسأله تمام می‌کند. او آن شرم و حیای مزخرف را حتی کنار می‌گذارد و از شکنجه‌ی بیضه‌هایش سخن می‌گوید.

سوم: این آن بحثی است که در بحث خشونت دیدگان مطرح می‌شود، ابتدال خشونت گاهی قرار است فرد مورد خشونت قرار گرفته را در یک وضعیت اخلاقی قرار بدهد. خشونت دیده‌ای که به او تجاوز شده‌است و خصوصی‌ترین اجزای بدنش مورد دست‌درازی شکنجه‌گر قرار گرفته‌است، قرار است بترسد، «حیا کند»، و نگوید که بر او چه رفته‌است، بلکه این درد را با خود حمل کند، از شدت این رنج که تنهایی بر شانه‌های او سنگینی می‌کند بشکند. اسماعیل بخشی نشان می‌دهد که جامعه‌ی کارگری فعال ایران می‌تواند مسایلی را با خود حمل کند که تا به حال در بسترهای دیگر موضعیت بندی می‌شده‌اند. مثل بحث زندانیان سیاسی و شکنجه، مثل بحث حرف‌های رکیک جنسی در زندان‌ها و استفاده از اخلاق غالب جامعه برای بستن دست و پای زندانی و تحقیرشان. می‌دانیم این مسایل مسایلی هستند که هر زندانی‌ای از هر قشری می‌تواند با آن رو به رو شود.

چهارم: همانطور که زنانی که از خشونت‌هایی که به آن‌ها در چهاردیواری‌ها و در جامعه می‌رود سخن می‌گویند، به محض سخن گفتن در این باره دیگر تنها یک قربانی صرف نیستند، همانطور اسماعیل بخشی نیز با رد کردن این تابوهای اجتماعی و صحبت کردن از جزئیاتی که در واقع باید برای شکنجه‌گر شرم آور باشد و نه شکنجه شونده، نه تنها ساختار سیاسی ایران بلکه اخلاق اجتماعی غالب را نیز به چالش می‌کشد. او با صحبت کردن از این مسأله دیگر در بحث شخصی خود نمانده‌است او حامل چند بحث می‌شود که امور جمعی ما هستند. چرا که رمز موفقیت این عمل اسماعیل بخشی در جمعی شدن این امور است و بس. این را اسماعیل بخشی به خوبی می‌داند که پای فقه و اسلام و حقوق انسانی یک زندانی را به پیش می‌کشد. آنجایی ما به نامه‌ی سرگشاده‌ی او احترام گذاشته‌ایم که بحث‌های او را تبدیل به بحث‌های جمعی کنیم.

از فیسبوک نویسنده

پرسش در باره‌ی نامه‌ی سرگشاده‌ی اسماعیل بخشی

روز گذشته اسماعیل بخشی نماینده‌ی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در نامه‌ای سرگشاده نوشت که در روزهای بازداشت او را به‌شدت شکنجه داده و همه‌ی مکالماتش را پیش از بازداشت، حین اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه، شنود کرده‌اند. به همین سبب او وزیر اطلاعات را به مناظره دعوت کرده است. نظر محسن حکیمی نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران را در باره‌ی مضمون نامه‌ی اسماعیل بخشی و دعوت از وزیر اطلاعات برای مناظره، پرسیدیم. پاسخ ایشان در ادامه آمده است.

(توضیح: پاسخ‌هایی که ذیل عنوان "یک پرسش، یک پاسخ" در این صفحه درج می‌شوند نظرهای نویسندگان آنهاست و الزاماً با نظر کانون نویسندگان ایران یکسان نیست).

پاسخ محسن حکیمی:

اسماعیل بخشی در نامه‌ای که شما به آن اشاره کرده اید پس از شرح این که پیش از بازداشت، مکالمات تلفنی او با خانواده اش شنود می‌شده و سپس در مدت 25 روز بازداشت موقت اش به شدت شکنجه شده است، حق خود دانسته که وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی یعنی بالاترین مقام امنیتی این نظام را به مناظره بطلبد و پاسخ پرسش‌های زیر را از او بخواهد: آیا شکنجه در جمهوری اسلامی رواست؟ آیا در جمهوری اسلامی شنود خصوصی‌ترین مکالمات انسان‌ها جایز است؟ اقدام اسماعیل بخشی دست کم از جنبه‌های زیر حائز اهمیت است:

1- یکسره بی سابقه است. اولین بار است که یک زندانی سیاسی پس از آزادی موقت از زندان خطاب به بالاترین مقام اطلاعاتی نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای صریح و علنی و با امضای خود به مخالفت با شکنجه و شنود در این نظام برخاسته و با طرح پرسش‌های فوق این مقام را به مناظره در ملاء عام طلبیده است.

2- اسماعیل بخشی با انتشار این نامه سرگشاده، علاوه بر شجاعت و جسارت خویش، میزان رشد فکری و احاطه و اشراف خود را به حق و حقوق خویش از جمله حق آزادی بیان برای اعتراض به شکنجه و شنود و نیز درجه‌ی آگاهی اش از ممنوعیت این اعمال ضدانسانی در هر نظام سیاسی از جمله جمهوری اسلامی را نشان داده است.

3- اما مهم‌ترین جنبه‌ی اقدام تحسین‌انگیز اسماعیل بخشی آن است که این صدای اعتراض و مخالفت با شکنجه و شنود از دل طبقه‌ای بلند می‌شود که با آن که تمام ثروت جامعه را می‌سازد از نظر فکری و سیاسی به هیچ‌گرفته می‌شود و عموماً او را ابواب جمعی و حتی سیاهی‌لشکر احزاب سیاسی طبقه‌ی حاکم تلقی می‌کنند. از اعماق همین داغ لعنت خوردگان تاریخ است که اکنون کارگری برخاسته که، در کنار طرح «اداره شورایی» جامعه، به پیشروترین و بافرهنگ‌ترین گونه مخالفت و اعتراض طبقه‌ی کارگر را با شکنجه و شنود به نمایش گذاشته است. و سرانجام باید بر این نکته تأکید کرد که اسماعیل بخشی تنها نماینده‌ی این فرهنگ پیشرو نیست. طبقه‌ی کارگر ایران هزاران اسماعیل بخشی را در دل خود دارد، و همین است که آینده‌ای نویدبخش و سرشار از امید را پیش روی جامعه‌ی ایران می‌گذارد.

نکته مهم در نانوخته‌های متن تازه اسماعیل بخشی

فرج سرکوهی

آن چه در متن اخیر آقای اسماعیل بخشی مهم و تازه است نه گزارش شکنجه‌های او که زیان، واژه‌ها، ترکیب بندی، بافت و لحن جمله پایانی این متن است.

خبر شکنجه او در نانوخته‌های نامه قبلی او تأیید شده بود. همان زمان در متنی در فیس بوک نوشتم

«آن که چون من شکنجه را زیسته باشد در این واژه ها، که او نوشته ، نه دال و مدلول و مفهوم و مصداق و نه زبان، که صدای برخورد شلاق بر بدن، لرزه شوک الکتریکی و.. را می شنود و می بیند و خود نیز درد می کشد. واژه ها غیب می شوند تا چشم ها تصویر برهنه شکنجه را ببینند»
در متن اخیر او اطلاعاتی جزئی تر در باره شکنجه های او منتشر شده است. سندی که از هم اکنون در تاریخ ایران و تاریخچه جنبش کارگری ثبت شده است.

اما جمله پایانی نامه اخیر اسماعیل بخشی از او و گزارش شکنجه های او فرامی رود و نشانه ای ^{۱۰} است گویا از تحول و دگرگونی بنیادین روان شناسی و شعور جمعی دستکم لایه های مهمی از مردم ایران.

وزارت اطلاعات در دهه های اخیر نه فقط یکی از مهم ترین نهادهای سرکوب خشن و از دستگاه های دمیدن ترس و وحشت در جامعه، که خود نماد ترس و وحشت بود. در سه دهه اخیر به تقریب هیچ غیرخودی - کسان و گرایش های مستقل از جناح های حکومتی - وزیر اطلاعات را مستقیم به چالش نکشیده و به «پاسخ گوئی» نخوانده است.

«لذا جناب آقای علوی این جانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه تلویزیونی زنده دعوت می کنم»

از ورای این جمله ساده اما منسجم، کارگری شکنجه شده، به بلندای تاریخ مبارزه، قد می کشد. برخاسته و ایستاده بر دو پای استوار بر زمین واقعیت های سرسخت، وزیر اطلاعات «نظام مقدس» را، به صراحت، از مسئولان شکنجه می داند و نهاد و نماد ترس و دهشت و سرکوب را به مناظره می خواند تا «پاسخ» های او را بشنود.

از دی ماه سال گذشته تا کنون نه یک سال که دهه ها پیش رفته ایم . جهان لایه های مهمی از مردم ایران یک سره دگرگون شده است و این دگرگونی خود را در زبان، ترکیب بندی، بافت و لحن جمله پایانی متن اسماعیل بخشی فریاد می کشد .

از فیسبوک نویسنده

زندانیان قدیم و جدید پاسخ می‌خواهند

حسن مرتضوی

کانال اصلاح طلب شبکه‌ی خبری نظر این خبر را پخش کرده است:
غلامرضا شریعتی، استاندار خوزستان، خبر شکنجه‌شدن اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت‌تپه، در بازداشت‌گاه اطلاعات را رد کرده و گفته مدارک‌اش هم موجود است
از عجایب زندگی در این سرزمین است که استانداری در گوشه‌ای از این مملکت برای شکنجه نکردن کسی در زندان مدرک دارد! یا باید از ثانیه به ثانیه بازجویی‌های اسماعیل بخشی فیلم گرفته باشید یا همان لحظه‌ی اول آزادی او را به پزشک قانونی معرفی کرده باشید و مدرکی از عدم شکنجه او داشته باشید یا به ضرب زور او را وادار کرده باشید نامه‌ای بنویسد که با من خوب رفتار شده. اینکه او یک روز، ده روز، صد روز ، صد سال بعد بگوید شکتجه شده، از نظر زندانیان دهه‌ی شصت، هفتاد، هشتاد و نود اظهر من الشمس است که حقیقت را می‌گوید. کدامیک از شکنجه‌های ادعاشده‌ی کرور کرور زندانی دیروز و امروز را پذیرفته‌اید که این یک را بپذیرید؟ کدام را دروغ زندانیان در هتل‌های اوین و قزل‌حصار و کمیته مشترک و گوهردشت و دهها زندان در شهرستانها نخوانده‌اید؟ اسماعیل بخشی اکنون مظهر صدای تمامی کسانی است که شکنجه شدند و یا نخواستند بگویند و یا گفتند و دروغش نامیدید. زندانیان قدیم و جدید پاسخ می‌خواهند.

از فیسبوک نویسنده

این یک نامه نیست ، یک اکت سیاسی است

مرتضی ملک

نامه اسماعیل بخشی یک داد خواست عادلانه ، شجاعانه و روشنگرانه علیه ستاد استبداد ، مرکز فرماندهی سرکوب را جلوی جامعه گذاشت. این یک نامه نیست ، یک اکت سیاسی است. حرفی که در یک ثانیه در جامعه پژواک می یابد اذهان را تکان می دهد و سپس همچون موجی بلند به سقف آسمان می کوبد ، حرف نیست ، خود عمل است. در عصر دیجیتال زمان و مکان ، حرف و عمل کیفیت دیگری پیدا کرده است. حرفی که پژواک یافت به نیرو تبدیل می شود. جنبش های عصر ما به این راز رهایی بخش پی برده اند. جنبش هفت تپه نیز. هفت تپه گزارش کار و مذاکره و اعتصاب و سخنرانی و همه روند فعالیت خود را مستقیم به شبکه ها می داد. مانند فرمانده مارکوس در جنبش چیاپاس که با همین ابتکارات و آگاه کردن افکار عمومی بارها محاصره دشمن را شکست و از حمله ارتش جلوگیری کرد. بی تردید بدون حمایت شبکه ها و میدان مجازی اسماعیل هنوز در زندان و در دهان اژدهای آتش کام بود. نامه اسماعیل امروز اکت سیاسی ماست. اسماعیل درسکوی عدالت قلب مجرم را نشان رفته است ، او دقیق هدف گیری کرده است . اکنون سازمان اطلاعات عریان در معرض حمله و نفرت جامعه قرار گرفته . باید به این تعرض پیوست ؛ این اقدامی است برای بالا بردن هزینه سرکوب ، اقدامی است برای بالا بردن حساسیت جمعی ، برای پراکندن فضای ترس ، اقدامی است برای مصونیت جنبش ، مصونیت فعالین ، مصونیت کسانی که بدست امنیتی ها گرفتار می شوند.

از فیسبوک نویسنده

..... به چه حقی اسماعیل بخشی و همراهان اش را شکنجه کرده اند؟

منصوره بهکیش

بنا به تجربه ای که از حضور مستقیم در درون جنبش ها دارم، اعتقاد عمیق دارم که جنبش ها را افراد قهرمان نمی توانند به تنهایی و یک تنه به پیش ببرند. پیشبرد جنبش ها نیاز به عوامل بسیاری دارد که بتواند پیش رونده باشد، ولی یکی از عوامل مهمی که می تواند جنبش ها را زنده و پویانده نگاه دارد و دیگران را تشویق به ایستادن بر خواست ها و ادامه راه کند، جسارت افرادی از درون آن جنبش هاست، این که افرادی بتوانند مرزهای ممنوعه حکومت را با جسارت جلوی چشمان آن ها بشکنند و رعب و وحشت حکومت را به چالش بکشانند. اسماعیل بخشی یکی از این افراد است و چنین کاری کرده و امید که بتواند محکم و استوار و در سلامتی راهش را ادامه دهد و دیگر کارگران هفت تپه نیز که نزدیک به چهل روز با همدیگر ایستادند، چون او هم چنان جسورانه بایستند و راه شان را ادامه دهند و با همدیگر این جنبش را به پیش ببرند و به خواسته های برحق شان برسند.

باید وزیر اطلاعات پاسخ دهد که به چه حقی اسماعیل بخشی و دیگر همراهان اش را بازداشت و شکنجه کرده اند و باید پرونده او، علی نجاتی، سپیده قلیان و عسل محمدی و دیگر همراهان شان، محترمامه بسته شده و بدون قید و شرط آزاد شوند.

..... من هم شکنجه شدم

شیمابابایی از دختران خیابان انقلاب

در پستی در اینستاگرام اش پس از انتشار نامه اسماعیل بخشی نوشته:

دلیل برهنه کردن زندانی سیاسی چیست؟

من دختری که در سن 21 و 23 سالگی در بازجویی های سپاه ثارالله و وزارت اطلاعات مدام تخت

شکنجه روحی قرار گرفتم مگر چه کرده بودم که مستحق چنین رفتاری بودم؟
نه به خاطر فریب دشمن باعث مرگ بیش از 7 هزار نفر از هم وطنانم شده بودن و نه پول مردم را به جیب زده در خارج از ایران مشغول عیاشی بودم.
تنها دختر بچه ای معترض بودم که هیچ گونه عملکرد مثبتی از جمهوری اسلامی ندیده بودم و می خواستم کشورم تنها کمی جای بهتری برای زندگی خودم و هموطنانم باشد. من تنها خواهان آبادی کشور بودم.
آیا جمهوری اسلامی می تواند پاسخگوی شکنجه هایی باشد که به ناحق در تمام این سالها در زندان هایش اتفاق افتاد؟

اسماعیل ؛ تو دیگر خودت ترسناک شده ای!

فرخنده آشنا

نامه اسماعیل بخشی، کارگر مبارز هفت تپه ، را خواندم. من هم هم طبقه ای اسماعیل هستم ؛ يك زن کارگر. من از سال 61 تا 69 زندانی بودم، آن هم بدون حکم. شرطی که برای " آزادی" من گذاشته بودند این بود که مرا ببرند در کارخانه ای که کار میکردم (کارخانه داروسازی اسوه ، مرک سابق) در جمع همه کارگران از سازمان های سیاسی اعلام انزجار بکنم و وفاداری خودم را به " انقلاب اسلامی " اعلام بکنم.

با وجود اینکه مرا در يك يورش مسلحانه شبانه در خانه مان در محله شادآباد تهران بازداشت کردند، و از همان لحظه به زیر شکنجه بردند، ولي ماه ها به خانواده ام نه از زنده بودنم خبری دادند و نه از محل نگهداری ام.

در تمام 9 سال زندان، ما (زندانیان دهه شصت) را بدون بازجویی و شکنجه رها نکردند. هر وقت ملاقات را قطع می کردند مادرم آماده برگزاری مراسم سوگواری می شد. تا اینکه از طریق دیگر خانواده ها خبردار می شد که من زنده ام ولي ممنوع الملاقات هستم.
در قتل عام تابستان 67 خبر کشتار که به خانواده ها که رسیده بود مادرم بجای زندان اوین چند بار به خاوران رفته بود.

پاییز 69 ما آخرین گروه از زنان زندانی را که هیچ شرط و شروطی را برای آزادی نپذیرفته بودیم، تحت عنوان مرخصی می خواستند با وثیقه و کفیل " آزاد " کنند! علیرغم مخالفت من با این شروط ، خانواده ام وثیقه و " کفیل جانی" (که حتماً نباید از اقوام می بود) را به زندان معرفی کرده بودند.
در آنموقع در ساختمان دفتر مرکزی اوین من مجادله مردی با دادیار زندان را می شنیدم که می گفت :

" او را آزاد کنید، هر وقت خواستید من بجای او می آیم زندان."
دادیار فریاد میزد : " ابله ! اینها ضد انقلاب هستند، پای شان به بیرون برسد دوباره میروند پیش ضد انقلاب. آن وقت ما پدر تو را در می آوریم."

هنوز مجادله ادامه داشت که مرا به بازجویی بردند. بازجو يك برگه جلویم گذاشت با يك سوال و رفت.
- اسدالله کردوانی را از کجا می شناسی و چه رابطه ای با او داشته ای و آخرین بار کی و کجا او را دیدی؟

من جواب ندادم. ولي هزار فکر و خیال از سرم خطور کرد. او کیست؟ تازه دستگیر شده؟ آیا مرا می شناسد؟ از کجا؟ با هجوم این افکار به مغزم، کف پایم تیر می کشید.

بازجو برگشت و با داد و فریاد گفت : " چرا جواب سوال را ننوشتی؟ "
گفتم : این اسم چه ربطی به من دارد؟ (اما بعد فهمیدم اسدالله کارگر صنایع فلزی است که " کفیل جانی" من شده است.)

با فحاشی گفت : " مثل اینکه تو هنوز تخلیه اطلاعاتی نشده ای و مرا هم نمی شناسی. من سنگ را به حرف در میاورم. وقتی پائین(شکنجه گاه 209) رفتی ربطش معلوم می شود."
خنده ام گرفت.

منشور حقوق شهروندی را مطرح و در انظار عمومی و در حضور خبرنگاران و فعالان مدنی کشور آن را امضا کرده‌اید و سوگند و قول تحقق آن را بیان کرده‌اید که در آن تصریحا هر نوع شکنجه ممنوع اعلام گردیده است، اما شاهد شکنجه‌ی آقای اسماعیل بخشی هستیم که گناه ناکرده‌ی وی فقط اعتراض به نقض حقوق کارگری خود و عدم پرداخت دستمزد عادی بوده است.

جناب رئیس جمهور! چرا از کنار این موضوع به سادگی رد می‌شوید؟ چرا شهادت و شجاعت لازم به پشتوانه‌ی رای ملت در برخورد با شکنجه‌گران را ندارید؟ زیرا یا این شکنجه‌ها مورد تایید حضرتعالی است؟ یا رعایت کرامت ذاتی بشر برای شما اهمیتی ندارد که چنین ساده از کنار آن رد می‌شوید؟ بلاشک شکنجه از پلیدترین اقدامات غیر انسانی علیه بشریت است که کرامت ذاتی بشر را پایمال و ارجمندی آن را از بین می‌برد.

جناب رئیس جمهور! برای حفظ حرمت این ملت ستمدیده و اندک آبروی باقیمانده برای دولت ایران و پاسداری از اصول قانون اساسی، به موضوع شکنجه‌ی آقای اسماعیل بخشی و دیگر کارگران مظلوم خوزستان و سایر متهمین امنیتی و سیاسی دیگر که چنین از شکنجه رنج می‌برند وارد شده و دستورات شایسته برای تعقیب کیفری شکنجه‌گران صادر فرمایید. بگذارید با این اقدام خود در تاریخ نامی نیک برای خود رقم زنید و تا دیر نشده دست بکار شوید و گزارش آن را به جناب اسماعیل بخشی و ملت ایران ارائه دهید. تصمیم شما احترام به انسانیت، قواعد حقوق بشر، قوانین و ایفای تعهدات بین المللی ایران است.

سالیان سال است که شکنجه ایران و ایرانیان را رنج می‌دهد و بصورت سیستماتیک در نهادهای خاص امنیتی و اطلاعاتی متهمین و ملت ایران را آزار می‌دهد و قوه قضاییه نه تنها نظاره‌گر و ساکت بوده بلکه همگام و همراه آنان بوده است و با انکار و تکذیب نمس‌تواند پاسخگوی تاریخ و ملت ایران بود.

با احترام مجدد/ حسین احمدی نیاز، محمد مصطفایی، هوشمند رحیمی، مسعود اختری تهرانی، احسن حسن پور”.

.....
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

**از جمعی از کارگران هفت تپه،
خطاب به ۳۴ تشکل اسلامی دانشجویی**

دانشجویان عزیزی که در تشکلات انجمن اسلامی متشکل شده اید و نامه ای منتشر کرده اید که حاضرید میزبان مناظره اسماعیل بخشی و وزیر اطلاعات باشید. با سلام. نکات و ملاحظاتی را درباره نامه شما، به اطلاع میرسانیم.

۱- گویا از نظر شما، صحت مطلب منتشره شده توسط کارگران هفت تپه، منجمله کانال مستقل کارگران هفت تپه، نوشته های اسماعیل بخشی و ده ها خبر و گزارش منتشره دال بر شکنجه و آزار و اذیت اسماعیل بخشی، خانم قلیان، آزار آقای علی نجاتی کارگر بازنشسته، هنوز وضوحا مورد تایید نیست! به نظر میرسد شما خودتان را در مقام واسط برای روشن شدن حقیقت میدانید. یعنی اینهمه اخبار کارگری و شهادت های مستقیم کارگران که آخرینش نوشته ی اسماعیل بخشی بوده برای شما سندیت ندارد؟ در اینصورت میانجی گیری شما بین کارگران هفت تپه و وزیر اطلاعات از نظر ما کاملا یکطرفه و به نفع وزیر اطلاعات و دولت است. دست کم خوب بود نامه ای مینوشتید و خواهان آن میشدید که وزیر اطلاعات بیاید و درباره این واقعیات و شکنجه ها پاسخگو باشد و توضیح دهد. همچنین قابل ذکر است که اسماعیل بخشی فقط فعال کارگری در هفت تپه نیست. ایشان مضافا نماینده

چند هزار کارگر در هفت تپه هستند.

۲- گویا شما دانشجویان عزیز هنوز در توهمید که در ایران، یک شهروند میتواند به راحتی مقامات را مورد نقد قرار دهد و از احضار و حبس و تهدید و اخراج و آزار و شکنجه در امان باشد! در نامه شما این توهم، به روشنی دیده میشود. کجای عمر چهل ساله حکومت در ایران خالی از آزار و اذیت سیستماتیک علیه شهروندان و مشخصا کارگران بوده است؟

۳- ما از شما تشکلات اسلامی دانشجویی، واکنشی در قبال سرکوب تشکلات مستقل کارگری منجمله در هفت تپه مشاهده نکرده ایم. مشاهده نکردیم که شما هم همصدا با کارگران مخالف باشید که انتخابات تحمیلی، زورکی و تقلبی برای ایجاد شورای اسلامی کار برگزار شود. مثلا همانطور که شما را آزاد میگذارند که انجمن اسلامی تشکیل دهید سایر دانشجویان نیز باید آزاد باشند سایر تشکلات مستقل و مثلا صنفی، فکری، فرهنگی و اجتماعی خود را بنا نهند و از هر اذیت و تعقیب امنیتی و قضائی مصون باشند.

۴- ما از شما دانشجویان که فرزندان طبقه کارگرید تعجب میکنیم که لزوم متشکل شدن شما در انجمن ها و نهادهای دانشجویی اسلامی به چه علت است؟ اعتقاد اسلامی شخصی هر کدام از شما امر شخصی خود شماست اما لزوم تشکیل انجمن اسلامی چیست؟ در ایران کمبودی در زمینه ترویج و تبلیغ اسلام مشاهده میکنید؟ اینهمه بودجه و امکانات هنگفت و اضافه که برای تبلیغ و ترویج مذهبی هزینه میشود از نظر شما کافی نیست؟ ملاحظه نکرده اید که تمامی قوانین و اجرائیات در این مملکت بر اساس شریعت نوشته و اجرا میشود؟ به واقع ضرورت تشکیل انجمن اسلامی چیست؟ برای اینکه حامی یک جناح خاص از حاکمیت باشید؟ حاکمیت که خود صد ها قانون و اداره و نهاد و سازمان برای دفاع از خودش دارد پس چه لزومی دارد که شما هم متشکل شوید که در این اقدامات شراکت داشته باشید؟ چرا برای دفاع از حقوق مردم متشکل نمیشوید؟ چرا شما دانشجویان همراه و همگام با مردم برای رفع فقر و ستم و فلاکت و شکاف طبقاتی و علیه دزدی و اختلاس سیستماتیک و برای دفاع از آزادی بیان و عقیده و تشکل و حزب و انجمن و تحصن و اجتماع و اعتصاب متشکل نمیشوید و تلاش نمیکنید؟

۵- از نظر ما اعتقاد مذهبی شما امری شخصی و انتخاب شماست. اینکه فردی مسلمان باشد یا مسیحی یا به هر خدایی اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد مسأله ای شخصی است اما بودجه و امکانات اجتماعی نباید صرف تبلیغ و ترویج اعتقادات مذهبی افراد باشد. بودجه مملکت باید صرف ایجاد رفاه و برابری در جامعه شود. امیدواریم تلاش شما دانشجویان که مشخصا و مثلا مستقیما تبعیض آموزشی و کالایی شدن آموزش را مشاهده کرده اید علیه سیاست های تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی، قراردادهای سفید امضا موقت، اخراج، تهدید و علیه سرکوب کارگران، فعالان کارگری و تشکلات مستقل کارگری نیز متمرکز شود. البته برای چنین تلاشی از نظر ما تشکلات مذهبی و عقیدتی مانند تشکلات شما یعنی انجمن اسلامی دانشجویی و یا شورای اسلامی کار، ماهیتا نه تنها مناسب نیستند بلکه خود به نوعی در red triangle down: خدمت بازتولید فقر و تبعیض و سرکوب هستند. ادامه در صفحه بعد

۶- ما نمیدانیم شما به کدام یک از جناح های حکومتی تعلق خاطر دارید و آیا دعوت برای میزبانی مناظره اسماعیل بخشی و وزیر اطلاعات از نظر شما مثلا تبلیغی برای این است که گویا دولت روحانی دولتی پاسخگو است؟ مثلا میخواهید علیه رقبای دولت روحانی اقدامی کرده باشید؟ فرقی ندارد، چه موافق جناح روحانی باشید یا موافق جناح یا جناح های دیگر، خوب است به این واقعیت دقت کنید که تمامی این جناح ها در گسترش فقر و خصوصی سازی و فلاکت و سرکوب، همراه و یکدست هستند و همگی در خدمت مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری هستند. ما شما را دعوت میکنیم

که به نیروی اجتماعی عظیم طبقاتی خودتان یعنی طبقه کارگر اتکا کنید.

۷- در پایان درخواست میکنیم برای تقویت فضای نقد و گفتگو و در احترام به اصول اولیه گفتگو و حق آزادی افراد در نشر و نظر، عین نامه جوابیه ما را منتشر کنید و ما نیز در ذیل، اصل نامه شما را منتشر میکنیم. همچنین از پاسخ شما به نامه خودمان استقبال میکنیم.

جمعی از کارگران هفت تپه

شنبه، پانزدهم دیماه نود و هفت

انتشار توسط : کانال مستقل کارگران هفت تپه

.....
نامه ی ۳۴ تشکل دانشجویی به وزیر اطلاعات

در مناظره با اسماعیل بخشی شرکت کنید!

باسلام؛

احتراماً پیرو درخواست جناب آقای «اسماعیل بخشی» فعال کارگری هفت تپه که اخیراً مدتی را در بازداشت به سر برده اند، تشکل های امضاکننده ی این نامه درخواست برگزاری مناظره برای روشن شدن موارد مطرح شده توسط ایشان را دارند. در آستانه ی ورود به پنجمین دهه ی انقلاب، انتظار می رود جمهوری اسلامی در مرحله ای قرار گرفته باشد که یک کارگر بتواند بلندترین مقامات کشور را مورد نقد قرار دهد و در جایگاه شهروندی خود، آنها را به پاسخگویی وا دارد.

لذا ضمن درخواست برگزاری مناظره با ایشان، ما تشکل های دانشجویی امضاکننده ی این نامه، آمادگی خود را برای میزبانی این نشست اعلام می داریم.

لیست تشکل های امضا کننده:

- ۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز
- ۲- انجمن اسلامی دانشجویان ترقی خواه علوم پزشکی همدان
- ۳- انجمن ایران اسلامی دانشگاه مازندران
- ۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه گلستان
- ۵- انجمن دانشجویان ایران اسلامی دانشگاه ارومیه
- ۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه دامغان
- ۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
- ۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هرمزگان
- ۹- انجمن فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل
- ۱۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه لرستان
- ۱۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهرکرد
- ۱۲- تشکل اسلامی انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه بین المللی امام خمینی «ره»
- ۱۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اراک
- ۱۴- انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه زنجان
- ۱۵- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان
- ۱۶- انجمن اسلامی فرهنگ و سیاست دانشجویان دانشگاه بو علی سینا همدان
- ۱۷- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز
- ۱۸- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی کرمانشاه
- ۱۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود
- ۲۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
- ۲۱- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۲۲- انجمن اسلامی دانشجویان نو اندیش دانشگاه فردوسی مشهد

- ۲۳- انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه شهید چمران اهواز
- ۲۴- انجمن اسلامی دانشجویان ترقی خواه دانشگاه صنعتی امیرکبیر
- ۲۵- انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۲۶- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- ۲۷- انجمن اسلامی دانشجویان آزاد اندیش دانشگاه علامه طباطبایی
- ۲۸- مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)
- ۲۹- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه هنر تهران
- ۳۰- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان
- ۳۱- انجمن اسلامی آرمان دانشجویان دانشگاه علم و صنعت
- ۳۲- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بناب
- ۳۳- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خلیج فارس (بوشهر)
- ۳۴- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کردستان
-